

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کاترین اشتون (مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا)
برگردان: رضا فانی یزدی
۱۶ فبروری ۲۰۲۴

جنوب جهانی را دست کم نگیرید



مدت کوتاهی پس از حمله روسیه به اوکراین در فبروری ۲۰۲۲، پیامی از یک رهبر افریقائی دریافت کردم که می گفت: دوباره به سوی درگیری دیگری می روید. شما از ما انتظار دارید که بدون در نظر گرفتن هزینه ها از شما حمایت کنیم. اما کی قرار است غرب به آنچه در قاره من اتفاق می افتد توجه کند؟ نکته پیام او این بود، چند نفر می توانند اسم تعدادی از آنها را نام ببرند؟ ۱۷ کودتا در طی شش سال گذشته در افریقا و درگیری های مسلحانه در ۱۸ کشور فقط در سال ۲۰۲۱ که همه آنها تا حد زیادی نادیده گرفته شده است.

پیشداوری های اشتباه

جنگ اکراین به ما یادآوری کرد که این پیشداوری که کشورهای غیراروپائی بسادگی تهاجم روسیه را در رأس اولویت های خود قرار می دهند، با این فرض که ارزش ها، ایده ها و اولویت های یکسانی اساس روابط کشورهای غربی و آنچه که به عنوان جنوب جهانی شناخته می شود بنا شده است. نشان داد که پیشداوری های ما در این موارد اغلب اشتباه هستند.

این برای ایالات متحده و اروپا غافلگیرکننده و مسلماً یک شوک بود. به نظر ما با توجه به وحدت فوق‌العاده ای که در اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن شکل گرفته بود تجاوز روسیه نمی‌توانست بدون مشکل باقی بماند. در سال ۲۰۱۴، زمانی که من ریاست شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا را بر عهده داشتم، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد بهترین شیوه برخورد با روسیه، حتی پس از الحاق کریمه وجود داشت. در سال‌های بعد، تلاش‌های اتحادیه اروپا عمدتاً به جای دیگری متمرکز شد. تنها تعداد کمی از کشورها چون پولند، لیتوانی بودند که بارها اشاره کردند که این درگیری در همین جا باقی نخواهد ماند.

تا آنجا که به اروپا مربوط می‌شود، هیچ چیز مبهمی در مورد اقدامات روسیه وجود نداشت: این کشور خواستار پاسخی واضح از اعضای سازمان ملل بود. در حالی که بسیاری به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت روسیه رأی دادند، بیش از ۴۰ کشور مرتباً با آن مخالفت کردند. اینها شامل بسیاری از کشورهای افریقائی، آسیائی و امریکای لاتین بود که کشورهای جنوب جهانی را تشکیل می‌دهند. این تجربه به ما هشدار می‌دهد که غرب باید در روابطی که تا حد زیادی بدیهی انگاشته است تجدید نظر کرده و مسیر جدیدی را برای تعامل تعیین کند. اینطور نیست که کسانی که از قطعنامه‌های سازمان ملل حمایت نکردند همگی ضد دموکراتیک باشند یا قادر به دیدن ماهیت اقدامات روسیه نیستند.

چیز جالب تری در جریان است که غرب باید آن را درک کند.

این امر در ابتداء از ناتوانی ما در تمایز بین ملل مختلف، تاریخ، اقتصاد و سیاست آنها شروع می‌شود. انتظار ما از این که روابط قدیمی همیشه به پیوندهای قوی تبدیل شود، به ویژه با توجه به رشد اقتصادها و تغییر و توسعه اتحادیه‌های سیاسی جدید برداشتی نادرست است.

برای بسیاری، اتکاء به گذشته استعماری مبتنی بر کمک و تجارت برای برآوردن خواسته‌های کشورهای در حال توسعه دیگر کافی نیست. رشد کنونی و آینده آنها به تنوع بخشیدن به روابطشان و یا کنار گذاشتن روابط قدیمی به نفع مناسبات جدید بستگی دارد. این کشورها دیگر چنان که ما انتظار داریم، آماده همسو شدن با دیدگاه‌های غربی نیستند، حتی اگر اصل مورد بحث همانی باشد که آنها به رسمیت شناخته‌اند.

اتحادها و فرصت‌های جدید

همانطور که جنوب جهانی به دنبال فرصت‌های جدید برای خود است، انتظارات از متحدان جدید در نحوه واکنش کشورها به رویدادها و مسائل نقش مهمی ایفا می‌کند.

تصمیم ایالت کوچکی چون جزیره نائورو Nauru* مبنی بر خروج دیپلماتیک از تایوان و پیوستن آنها به بیجینگ در ۱۵ جنوری امسال نمونه‌ای از این موضوع است. بیجینگ چندین دهه تلاش کرده است تا به هر شکلی روابط دیپلماتیک تایوان را به نفع خود تغییر دهد.

این اتفاق علی‌رغم کمپین دو ساله دولت بایدن برای جبران ردپای رو به رشد اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی بیجینگ در اقیانوس هند و اقیانوس آرام رخ داده است. پیامدهای این تصمیم عواقب بلندمدت منطقه‌ئی نیز دارد، زیرا رئیس‌جمهور سابق نائورو در ماه نومبر دبیرکل مجمع جزایر اقیانوس آرام شد. ممکن است متوجه شویم که نفوذ چین در حال افزایش است.

ارتباطات دستوری مبتنی بر روابط و شناخت گذشته برای جمع کردن کشورها دیگر کارایی نداشته و تضعیف شده است. پیوندهای تاریخی بین کشورهای اروپائی و بخش‌هایی از آفریقا، امریکای جنوبی و آسیا تا حد زیادی از بین رفته است زیرا کشورهای مستقل دیگر به کسانی که زمانی آنها را مستعمره کرده‌اند دل نمی‌سپارند.

کمک‌های توسعه‌ئی که قبلاً برای رشد اقتصادی بسیاری از این کشورها در گذشته حیاتی بود، در حال حاضر نقش کمتری ایفا می‌کند. برای بعضی از این کشورها، حمایت و پشتیبانی چین جذاب‌تر است: چرا که با قیدهای کمتری و با فوریت بیشتری همراه است. برای سایر کشورها نیز توسعه‌ای را که به دست آورده‌اند موجب کم‌اهمیت‌تر شدن این امر (کمک‌های توسعه‌ئی غرب) شده است.

در هر صورت، حمایت از توسعه در برخی موارد بشدت کاهش یافته است. کمک‌های خارجی بریتانیا از ۱۵.۱ میلیارد پوند در سال ۲۰۱۹ به ۱۲.۸ میلیارد پوند در سال ۲۰۲۲ کاهش یافت و ۲۹ درصد از این رقم در سال ۲۰۲۲ صرف هزینه‌های میزبانی از پناهندگان در بریتانیا شد. کمک به یمن که به دلیل حملات حوثی‌ها در اخبار بسیار شایع بود، از ۲۶۰ میلیون پوند به ۷۷ میلیون پوند کاهش یافت. کمک به سومالی نیز از ۲۳۲ میلیون پوند به ۱۰۰ میلیون پوند کاهش پیدا کرد..

در حالی که روابط با اروپا و آمریکا در حال کاهش است، روابط این کشورها با روسیه و چین در حال گسترش و رشد است. بسیاری از کشورهای جنوب جهانی پیوندهای اقتصادی قوی با روسیه برقرار کرده‌اند. برخی از این موارد به دوران اتحاد جماهیر شوروی بازمی‌گردد، زمانی که حمایت از مبارزات ضد استعماری این کشور به رهبری اتحاد شوروی امکان نفوذ بیشتر این کشور را فراهم کرد. چین مشارکت خود را افزایش داده است، به ویژه از طریق طرح کمربند و جاده که شامل حدود ۱۵۰ کشور است، ۴۴ کشور در جنوب صحرای آفریقا و ۲۲ کشور در امریکای لاتین و کارائیب به این طرح پیوسته‌اند.

با گوش دادن به سخنان یکی از وزیران ارشد آسیائی، بسیار متعجب شدم که گفت "جهان ما را ایالات متحده احاطه کرده است و هر چه این وضعیت کم‌رنگ‌تر می‌شود، ما تنوع در جهان را بسیار واضح‌تر می‌بینیم". او همچنین توصیه می‌کرد که منظور نه توان اقتصادی آمریکا که کاهش توانائی آمریکا در رهبری نظم جهانی برای ما بهتر است.

ماهیت عدم همسویی

در مرکز این بحث، امر عدم تعهد نهفته است. شاهدیم که هندوستان، بزرگترین دموکراسی، که مسلماً در حال تبدیل شدن به مهمترین شریک دوجانبه با ایالات متحده است، اما در همین حال این کشور آمادگی حمایت فعالانه از اوکراین را نداشت.

مشاوران ارشد در هند به اهمیت روسیه در تأمین تسلیحات برای این کشور، و این که هرگز با پاکستان متحد نمی‌شود و از دولت هندوستان انتقاد نمی‌کند، تأکید می‌کنند. در حالی که نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، به طور خصوصی از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه انتقاد کرده و با ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین صحبت کرده است، اما موضع هند در این مورد پایبندی به عدم تعهد مورد نظر آنهاست.

همانطور که یکی از وزیران هندی به من گفت: "هند در آینده هویت‌های متفاوتی خواهد داشت." این که چگونه این خود را نشان می‌دهد باید دید. اما در حال حاضر، روسیه را به طور علنی محکوم نمی‌کند و استدلال می‌کند که در حالی که حاکمیت و تمامیت هر کشوری باید رعایت شود، مسائل امنیتی برای روسیه مهم است.

موضع لولا داسیلوا رئیس جمهور برزیل بسیار صریح تر بیان شده است. او در بازدید از بیجینگ تصریح کرد که واشنگتن نمی تواند به او بگوید که در مورد چین چه کاری انجام دهد: "هیچ کس نمی تواند برزیل را از ادامه توسعه روابط خود با چین باز دارد." او همچنین گفت که "در عین حال، چین ارتباطات تجاری خود در منطقه را از ۲ درصد صادرات برزیل به ۳۲ درصد در ۲۰ سال گذشته افزایش داده است."

لولا منعکس کننده یک تفکر مستقل در سیاست خارجی است که از دیرباز رویکرد او و کشور او بوده است. در سال ۲۰۱۱، وزیر امور خارجه وقت، آنتونیو پاتریوتا، توضیح داد که اگرچه حفاظت از مردم بنگازی در برابر معمر قذافی ضروری است، اما برزیل از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد منطقه پرواز ممنوع در لیبیا حمایت نخواهد کرد. این در زمانی اتفاق افتاد که در اوج چیزی که به بهار عربی معروف بود، بودیم. رأی ممتنع برزیل بیشتر از آن که ضد عربی باشد، قضاوت سنجیده ای بود که غرب باید در مورد اقدامات نظامی در خارج از کشور محتاط باشد.

پاتریوتا گفت: "تاکنون در لیبیا حتی یک پرچم اروپا یا آمریکا در جریان تظاهرات سوزانده نشده است. مهم این است که ما وضعیت را همینطور نگه داریم."

برخی استدلال می کنند که از دست دادن نفوذ آمریکا در امریکای لاتین به دلیل تمرکز واشنگتن بر افغانستان و عراق است. واقعیت هرچه می خواهد باشد، رهبران جدید در این کشورها پیوندهای سنتی خود با ایالات متحده را زیر سؤال برده اند، گرچه هنوز پاسخ قاطع در مورد آنچه در سالهای اخیر اتفاق افتاده است نگرفته اند.

در حالی که تفاوت های زیادی از نظر جغرافیایی، اقتصاد و سیاست در میان بیشتر از ۷۵ کشور جنوب جهانی وجود دارد، تلاشی برای گرد هم آوردن برخی از اقتصادهای بزرگ تحت عنوان بریکس BRICS دیده می شود. برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی کمترین اشتراک را با هم دارند جز این که بخش عمده ای از اقتصاد جهانی را نمایندگی می کنند. چین و هند حتی در جنوب قرار ندارند و کاملاً در نیمکره شمالی مستقر هستند.

روسیه نقش کلیدی در تأسیس بریکس ایفا کرد و بدون شک برای دعوت از مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی، ارجنتاین و امارات متحده عربی برای پیوستن به این اتحادیه در آخرین اجلاس آنها فشار زیادی وارد آورد. فقط ارجنتاین است که خارج شده است. بریکس جدید BRICS+ تقریباً ۳۰ درصد از اقتصاد جهان را تشکیل خواهد داد.

فشار برای ایجاد نظم جدید جهانی

روسیه به فشار برای ایجاد نظم جهانی جدید همچنان ادامه می دهد که به گونه ای آشکار در سخنرانی پوتین در کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۰۷ بیان شد. از آن زمان، او به طور مداوم در سخنرانی های خود به غرب حمله کرده و استدلال می کند که نظم کنونی جهانی بحران زا بوده و سیستم جدیدی باید راه اندازی شود. روسیه برای به ثمر رساندن این امر پیگیر است و بهترین شاهد مسیر پرواز های وزیر امور خارجه این کشور سرگئی لاوروف به دیگر کشورهاست.

با این حال، سال هاست که پیوندهای روسیه با کشورهای جنوب جهانی در حال توسعه است. وقتی یک دهه پیش برای شرکت در جلسه ای به جزیره کوچک پالائو Palau از مجمع الجزایر اقیانوس آرام سفر کردم، از تلاش روسیه که با تعداد قابل توجهی برای حضور در آنجا شرکت کرده و مراودات آنها با رهبران دیگر کشورها و ارائه طرح های مشارکت های اقتصادی شگفت زده شدم. همین امر در مورد بسیاری دیگر از کشورهای آفریقا، آسیا و امریکای لاتین صادق بود.

با این حال، روسیه نیز همانند ایالات متحده و کشورهای اروپایی به این امر توجه می کند که کشورهای جنوب جهانی بیشتر به اتخاذ یک موضع غیر متعهد در قرن ۲۱ علاقه دارند. موضع قدرتمندی که با توجه به استقلال رأی و بدور از سمتگیری آماده محکوم کردن طرف های خاطی هستند، که روشی جذاب است. روشی که استقلال آنها را نشان می دهد و از همه طرف های درگیر دعوت می کند تا به نظرات آنها توجه کنند، در حالی که پیوندهای مهم اقتصادی یا سیاسی خود را به خطر نمی اندازند.

کاری که غرب باید انجام دهد

خوب چه کار کنیم؟

مهمتر از همه، کشورهای اروپایی و ایالات متحده باید درک کنند و بپذیرند که روابط تغییر کرده است. با تقویت تلاش های دیپلماتیک برای مذاکره درباره موضوعات مورد نگرانی، باید رویکرد منحصر به هر کشور به طور جداگانه مورد نظر باشد. این به معنای گماردن دیپلمات های با کیفیت بالا در کشورهای کلیدی است با این مأموریت که هدفش یافتن راه هایی برای تعمیق و تقویت پیوندها و درک آن چیزی است که این دولت ها به دنبال آن هستند.

این کار آسانی نیست. برخی کشورها به دنبال برونداد های دشوار و مسلماً غیرممکن هستند. سهولت در مهاجرت به اروپا یکی از درخواست های رایج است که اغلب به تجارت بدون تعرفه نیز مرتبط است. همانطور که رئیس جمهور جیکوب زوما بلافاصله پس از تحلیف خود به عنوان رئیس جمهور آفریقای جنوبی به من گفت: "شما یک انتخاب دارید - می توانید کالاهای ما را بردارید یا می توانید مردم ما را ببرید." کدام یک را می خواهید؟

همانطور که اوکراین در مناقشه خود با کشاورزان پولندی دریافته است، حتی دلسوزترین کشورها همراه با اوکراین نمی توانند به تجارتی که مستقیماً بر کشاورزی یا صنعت آنها تأثیر می گذارد، اجازه فعالیت دهند. باز شدن بازارهای جدید در اقتصادهای رو به رشد در سراسر جنوب جهانی برای بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه بسیار جذاب تر از دست و پنجه نرم کردن با مقررات و سهمیه های تعیین شده از جانب غرب است.

دیپلماسی، تلاش "قطره-قطره" ایست که گاهی چندین دهه طول می کشد تا نتایج واقعی خود را نشان دهد. اما در مورد بحران های بزرگی که جهان با آن مواجه است، تعامل طولانی مدت ارزش این تلاش را خواهد داشت. اغلب وزرای امور خارجه و رهبران برجسته تنها زمانی ظاهر می شوند که یک بحران برای بحث وجود داشته باشد.

این تعامل طولانی مدت باید دو طرفه باشد. نگرانی ها و اولویت های دیگر کشورها باید در نظر گرفته شود. این امر به ویژه در مورد اثرات تغییرات آب و هوایی صادق است. دیپلماسی پس از COP28** می تواند تفاوت واقعی ایجاد کند. قطع بودجه های توسعه بر پروژه ها تأثیر می گذارد و می تواند کشورها را در تلاش برای پیدا کردن حامی جایگزین تشویق کند. و در جایی که این حمایت ارائه می شود، آن رابطه مهم و موضوعیت پیدا خواهد کرد. زمانی که قطع بودجه ها ضروری است لاغر شدن بهتر از سقوط از لبه های پرتگاه است و اینجاست که کمک به تأمین منابع مالی جدید بیشتر قدردانی خواهد شد.

سؤال بزرگتری که به طور کلی مطرح است، اینست که آیا این یک اقتصاد کاذب است. بدتر شدن مشکلات در دراز مدت هزینه بیشتری دارد. ارائه کمک های توسعه محور که به بهبود امنیت در یک چهارچوب ژئوپلیتیک کمک می کند ممکن است سیاستمدارانی را که تمایلی به این کمک ها ندارند بیشتر تشویق کند تا ارزش آن را تشخیص دهند.

برخی کشورها خواهان نقش بیشتر در نهادهایی مانند سازمان ملل هستند. چندین دهه است که استدلال هائی مطرح شده است مبنی بر این که عضویت دائم شورای امنیت سازمان ملل باید فراتر از پنج عضو کنونی آن، بریتانیا، ایالات

متحده، چین، روسیه و فرانسه باشد. بیشترین کشورهایی که از آنها نام برده می شود شامل هند، جاپان، المان و برزیل که پیشتر کشورهای امریکای لاتین است.

اما با وجود این که ایده افزایش تعداد اعضاء با تأیید عمومی روبه رو می شود، اما برای تحقق بخشیدن به آن به واقعیت کاری صورت نگرفته است. برای بسیاری این یک اولویت نیست، اما در مبارزه برای نظم جهانی جدیدی که بهتر عمل می کند، این موضوع را نمی توان و نباید نادیده گرفت.

برای تعامل با کشورهای جنوب جهانی در مورد طیف وسیعی از موضوعات بسیار قبل از این که انتظار حمایت از آنها وجود داشته باشد. اساساً نیاز به ایجاد روابط بلندمدت جدیدی به وجود آمده است: یافتن مکانیسم های رسمی و غیررسمی برای انجام این کار مهم است.

در جهان و در زمان افزایش تنش ها و دشواری های پیش رو، به همان اندازه که در تقویم برای قرار گذاشتن جا هست، برای گردآوردن گروه های مختلف نیز باید فضاء وجود داشته باشد. رفتار با کشورهای جنوب جهانی به عنوان کشورهای متمایز هم حیاتی و هم فوری است. حاصل افزایش تعامل دیپلماتیک با این کشورها در حال حاضر در آینده ثمره خواهد داد.

متن اصلی این نوشته را در اینجا می توانید ملاحظه کنید.

<https://www.chathamhouse.org/publications/the-world-today/2024-02/stop-taking-global-south-granted>

Nauru* نائورو کشور کوچکی از جزایر اقیانوس آرام روز دوشنبه اعلام کرد که به رسمیت شناختن دیپلماتیک را از تایوان به چین تغییر می دهد، اقدامی که تعداد رو به کاهش متحدان دیپلماتیک تایوان را به ۱۲ کشور در سراسر جهان کاهش می دهد.

COP28** یا بیست و هشتمین کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل در مورد تغییرات آب و هوایی